

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده اصول الدین
USUL AL DEEN COLLEGE
غیر دولتی غیر انتفاعی

گروه علوم قرآن و حدیث
پژوهش نامه کارشناسی ارشد

موضوع

شیوه های مقابله با اشرافیت از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

استاد راهنما

حجت الاسلام والمسلمین مجید حیدری فر

استاد مشاور

آقای دکتر حیدرعلی رستمی

دانشجو

حمید عادل

تابستان ۱۳۹۱



دانشكده اصول الدين
USUL AL DEEN COLLEGE
غير دولتي غير انتفاعي

قسم علوم القرآن و الحديث

رساله ماجيستر

عنوانها

اساليب مواجهة حياة المترفين و المسرفين من منظار الامام على (عليه السلام)

الاستاذ المشرف

حجت الاسلام و المسلمين مجيد حيدري فر

الاستاذ المشاور

الدكتور حيدر على رستمي

اعداد

حميد عادل

السنة: ١٤٣٣ هـ.ق

تقدیم به

چهارده اختر تابناک آسمان ولایت و امامت

بوئزه مولای متقیان امیرالمومنین امام علی (علیه السلام)

که این پایان نامه بر اساس سخنان آن امام همام است.

و تقدیم به روح پاک امام راحل (قدس سره الشریف) و شهیدان انقلاب اسلامی که همه

ما مدیون خون آن شهیدان والا مقام هستیم.

امید است خدای بزرگ همه ما را در مسیر عمل به سخنان معصومان (علیهم السلام)

آن برگزیدگان الاهی توفیق و استقامت عنایت فرماید

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

تقدیر و تشکر

باسپاس و شکر گذاری از خداوند متعال

که توفیق انس و بررسی سخنان برگزیدگان خود بهترین انسانهای روی زمین را

به این بنده حقیر عنایت کرد و

با تقدیر و سپاس از راهنماییها و هدایت‌های استاد گرامی

استاد راهنما حجه الاسلام و المسلمین مجید حیدری فر

و استاد گرامی و مشاور آقای دکتر حیدرعلی رستمی و

همه مسئولین دانشکده اصول الدین قم که ما را در این تحقیق یاری

فرمودند. همچنین قدردانی خود را از دست اندرکاران کتابخانهٔ مدرسهٔ مبارکهٔ

فیضیه بویژه سالن ویژهٔ محققین که عمدهٔ تحقیق اینجانب در این مرکز انجام

شده ابراز می‌دارم

از خدای متعال توفیق و سربلندی روز افزون در مسیر خدمتگذاری نظام

اسلامی را برای ایشان آرزو می‌کنم.

ومن الله التوفیق

چکیده

اشرافیت، دنیا طلبی، رفاه زدگی و عشق و علاقه مفرط به دنیا به طور عام (مقام، ثروت و ...) که باعث می‌شود انسان در همه این زمینه‌های دنیوی یا برخی از آنها خواستار برتری و والایی باشد، یکی از صفات مذموم است که مانند یک ویروس خطرناک، فرد، جامعه و اعتقادات آنها را مورد هدف قرار داده و به نابودی می‌کشاند.

در این تحقیق که با روش نقلی و حیانی و بهره‌برداری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده قصد داریم با توجه به رفتارها و بیانات امام علی (ع) شیوه‌های مقابله اعتقادی و رفتاری با این صفت ناپسند را استخراج کنیم و با عمل به آموزه‌های امام علی (ع) که برگرفته از علم الهی است، بتوانیم خود و جامعه اسلامی را از آسیب‌های خطرناک آن حفاظت کرده و از نفوذ و سرایت آن در جامعه دینی جلوگیری کنیم.

مولای متقیان امام علی (ع) بعد از رحلت پیامبر (ص) و از همان آغاز غصب خلافت با اشرافیت در انواع مختلف آن با موضع‌گیری‌ها و سخنرانی‌ها در موقعیت‌های متفاوت به دو شیوه مقابله کرده است.

۱. اعتقادی: در این بخش امام با تبیین عواملی که سبب هشپاری و جلوگیری از گرفتار شدن در دام اشرافیت می‌شود مانند توجه به خدا در همه حالات، شناساندن ماهیت واقعی دنیا و سرانجام دنیاپرستی و شناخت الگوهای صالح و فاسد و ... با اشرافیت مقابله کرده است.

۲. رفتاری: در این قسمت امام در مقابله با اشرافیت از روشهایی مانند نوشتن نامه به کارگزاران و اصحاب خود که به دنبال تجمل‌گرایی و اشرافیت رفته بودند و سرزنش و برخورد با آنها، نیز رفتارش در چگونگی برخورد با دنیا و برخورد با فرزندان و نزدیکان خود در مورد بیت المال و همچنین مبارزه و جنگ با اشراف و دنیاپرستانی که به هیچ صراطی مستقیم نبودند استفاده کرده است.

امام در مدت پنج سال حکومت خود درگیر مبارزه با قدرت طلبان و دنیا گرایان از خدا بی‌خبر بود و فرصتی را که امام می‌توانست از آن در جهت تربیت و رشد و پیشرفت جامعه اسلامی استفاده کند؛ به خاطر اشرافیگری و دنیا پرستی و قدرت طلبی عده‌ای از اطرافیانش و صحابه رسول خدا (ص) به جهاد و مبارزه با این فرصت طلبان و دنیاگرایان پرداخت تا با اصلاح جامعه، احکام اسلامی و سنن فراموش شده پیامبر اعظم (ص) را دوباره زنده کند.

امام (ع) قدرت و ثروت و میل به دنیا را به خودی خود مطرود و مذموم نمی‌داند بلکه فقط در صورتی که این نعمت‌ها در مسیر ناصحیح قرار گیرد و رسیدن به آنها به هر قیمتی هدف باشد، مورد نکوهش قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: اشرافیت اقتصادی، اشرافیت اجتماعی، اشرافیت سیاسی، دنیا گرایی، رفاه زدگی، قدرت طلبی، هوس پرستی.

موضوع نامه

| | |
|--|-----|
| فصل یکم: کلیات و پیش نیازها | ۲ |
| فصل دوم: چیستی و گونه شناسی اشرافیت | ۹ |
| فصل سوم: شیوه های اعتقادی و بینشی مقابله با اشرافیت | ۲۱ |
| نوشتار یکم: توجه به خدا در خوشی‌ها و شناخت عظمت و کبریایی خدا | ۲۴ |
| نوشتار دوم: شناخت دنیا و دنیا پرستان | ۳۱ |
| نوشتار سوم: شناساندن الگوهای صالح و فاسد | ۸۵ |
| نوشتار چهارم: تقوای الهی و بینش درست نسبت به قیامت | ۷۲ |
| نوشتار پنجم: شناخت پیامد های شوم اشرافیت | ۱۰۱ |
| فصل چهارم: شیوه های رفتاری ستیز با اشرافیت | ۸۷ |
| نوشتار یکم: سفارش به زمامداران برای پرداخت حقوق مردم | ۹۰ |
| نوشتار دوم: برخورد امام با اشرافیت اقتصادی کارگزاران، خویشان و فرزندان | ۹۴ |
| نوشتار سوم: ارائه الگوی عملی کامل در مقابله با اشرافیت | ۱۰۵ |
| نوشتار چهارم: مقابله با اشرافیت سیاسی و اجتماعی کارگزاران و مفسدان | ۱۲۰ |
| نوشتار پنجم: نهی از سرگرمی و سرمستی در لذت‌ها | ۱۴۶ |
| نوشتار ششم: عبرت‌گیری | ۱۵۴ |
| جمع بندی پایانی | ۱۶۷ |
| نتیجه گیری و پیشنهادها | ۱۶۷ |
| فهرست منابع و مآخذ | ۱۷۳ |

فصل يكم:

كليات

مقدمه

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی اشراف و هم چنین معانی مترادف آن مانند ملأ و مترف در آیات قرآن که بیان خواهد شد برداشتی که از معنای اشرافیت در قرآن و کتب حدیثی به ویژه نهج البلاغه و سخنان امام علی(ع) می‌شود همان دنیاطلبی بی حد و مرز و توجه افراطی به دنیا و اموال و زیبایی‌های - ظاهری دنیوی است به گونه‌ای که خود آنها مقصود و هدف باشند و نه وسیله‌ای در راستای اهداف عالیه که اگر آنها وسیله‌ای در جهت رسیدن به عبودیت و در خدمت اهداف الهی قرار گیرند به خودی خود مذموم نیستند بلکه آن اشرافیتی مذموم^۱ است که انسان را از اهداف اولیه و عالیه خلقت که همان توجه و تعبد به معبود است باز می‌دارد.

اشرافیت نوعی تجمل‌گرایی و لذت‌طلبی و رفاه‌زدگی افراطی است که در زندگی اشخاص نمود پیدا می‌کند و روز به روز به دامنه آن افزوده می‌شود و انسان را به انحراف می‌کشاند و گرفتار دنیای حرام می‌کند و با توجه به شواهد تاریخی و اجتماعی در اقوام و امم گذشته معمولاً اشرافیت مخصوص طبقه‌ای از اشراف جامعه بوده است که خود را در تمامی امتیازات دنیوی به نوعی دارای استحقاق و برتری نسبت به دیگران می‌دانسته‌اند و دیگران را حقیر و پست می‌شمردند که صلاحیت این امتیازات را ندارند و تحصیل علم و دانش را مخصوص طبقه اشراف می‌دانستند.

با توجه به بیان امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام و همچنین شواهد تاریخی تمام کسانی که به نوعی دچار اشرافیت شده‌اند از عدالت‌گریزان و حتی با آن به مقابله برخاستند چرا که عدالت اجتماعی به نوعی با اشرافیت و قائل بودن به امتیازات ناحق و ویژه برای افراد خاص مخالف و در صدد ریشه‌کن کردن آن است. از آنجا که نه در آیات قرآن و نه در احادیث و روایات به معنای لغوی کلمه اشراف و اشرافیت اشاره‌ای نشده است و به مفهوم آن اشاره شده ما برای اینکه به این مبحث بپردازیم از تمامی مفاهیم و الفاظی که به نوعی با مفهوم اشرافیت ارتباط دارند مانند دنیا طلبی حرام، رفاه‌زدگی مفرط، تفاخر و تکبر، فریفته دنیا شدن، غرق در شهوات و مقامات دنیوی شدن و سایر مفاهیم مرتبط دیگر استفاده کرده‌ایم. با توجه به اینکه عمده مباحث این پژوهش بر اساس مستندات نهج البلاغه است از آوردن متن عربی احادیث دیگر مرتبط با بحث خود داری کرده‌ایم.

۱. معمولاً اشرافیت و اشرافی‌گری در نوع مذموم آن به کار می‌رود.

بیان مسئله

از آنجائی که اشرافیت در همه جوامع باعث بروز مشکلات عدیده‌ای مانند، تبعیضها، بی‌عدالتی‌ها و ظلم و ستم به افراد ضعیف شده است و در جامعه اسلامی علاوه بر این موارد موجب سستی و تباهی ایمان و طغیان در برابر اوامر الهی و حاکمان دینی و ضربه به نظام اسلامی شده است بنابراین ما در این تحقیق به شیوه های مقابله با اشرافیت از دیدگاه امام علی(ع) پرداخته و با بررسی سخنان آن حضرت در کتب معتبر حدیثی بویژه نهج البلاغه و با استفاده از آیات قرآن در تأیید موضوع از دو جهت اعتقادی، بینشی و رفتاری، اخلاقی و مبارزه عملی این مسئله را مورد کنکاش قرار داده‌ایم. در بعد اعتقادی، بینشی ما موارد زیر را مورد بررسی قرار داده‌ایم ۱. سخنان امام را که با بیانی شیوا رنجهایی را که از برخی اصحاب پیامبر(ص) به سبب اشرافی‌گری برده است بررسی کرده‌ایم ۲. سخنان امام را در جهت مقابله با این صفت ناپسند و ویرانگر، که حقیقت دنیا و دنیاطلبی و عواقب خطرناک آن را بیان نموده تبیین نموده‌ایم ۳. ویژگیهای ناپسند اشرافیت طلبان و در مقابل ویژگی افرادی را که به خوبی با این صفت مبارزه کرده و همچنین عواقب شوم اشرافی‌گری و برخی عوامل دیگر که در مبارزه با این صفت ناپسند مؤثر است را مورد بررسی قرار داده‌ایم. و در عمل نیز شیوه زندگی امام و اولیاءالله و برخورد با کارگزاران و فرزندانشان و سفارش به پرداخت حقوق مردم و حقوق الهی و درس عبرت گرفتن از زندگی اشرافیت‌طلبان در گذشته، به عنوان الگوی مقابله با اشرافیت به جامعه معرفی می‌شود و امام باکسانی که عدالت و این نوع رفتار را بر نمی‌تابند و در مقابل آن موضع‌گیری می‌کنند وارد میدان مبارزه و جهاد مقدس می‌شوند.

تاریخچه موضوع

آغاز اشرافیت، همزمان است با اجتماعی شدن بشر و در هر دوره و هر سرزمینی به شکل و مفهوم خاصی وجود داشته و در همه این موارد جامعه اشراف دارای امتیازات خاصی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، علمی، سیاسی و اجتماعی نسبت به دیگر اقشار جامعه بوده است. برای مثال در پنج قاره جهان اشرافیت به شیوه‌های مختلف وجود داشته و دارد ولی همه آنها دارای نظام طبقاتی متشکل از طیفهای مختلف جامعه هستند که برخی از آنها نسبت به برخی دیگر دارای برتری‌هایی می‌باشند.

در دوران پادشاهی، جامعه ایران یک جامعه طبقاتی را تشکیل می‌داد که یک طبقه اشراف و درباریان بودند که همه مناصب حکومتی و دولتی در اختیار آنان بود و آنان بودند که از حق تحصیل علم و دانش برخوردار بودند و طبقات بعد روحانیان، تجار و بازرگانان، نظامیان و پست‌ترین طبقه عوام بودند که شامل کارگران، کشاورزان و صنعتگران بودند. همان‌طور که بیان شد بیشتر امتیازات از جمله تحصیل علم و دانش و آموختن سواد خواندن و نوشتن و داشتن مناصب حکومتی مخصوص طبقه اشراف بود و فرزندان در هر طبقه می‌بایست از جهت شغلی مسیر پدران خود را ادامه می‌دادند. در ایران قبل از اسلام انتقال طبقات و تغییر موقعیت اجتماعی تقریباً محال بود، اردشیر بابکان در وصیت‌نامه خود تأکید کرده بود که مقام و موقعیت مراتب از طبقات را ثابت و پایدار نگاه دارید و می‌گفت «بترسید از سری که دم گشته و یا از دمی که سرگشته...»^۱ و مردم ایران به همین دلایل و به امید مساوات و برادری اسلامی شیفته شعارهای اسلامی شده بودند در مقابل حمله نیروهای اسلام مقاومت نکردند و نیروهای اسلام توانستند امپراطوری ایران را شکست دهند البته خود طبقات اجتماعی اگرچه از لحاظ شکل و ظاهر شبیه هم بودند اما در ادوار مختلف گروه‌های^۲ شامل در طبقات براساس کتب تاریخی مانند «ایران در زمان ساسانیان»^۳ و کتب دیگر متفاوت است «ولی در همه آنها یک طبقه بالا دستی و یک طبقه پست و فرودست وجود دارد اگر چه در برخی دوران‌ها هر طبقه، نیز خود به چند طبقه بالاتر و پایین‌تر تقسیم می‌شدند»^۴

«در آغاز بعثت، رسالت و انقلاب دینی و الهی پیامبر اکرم(ص) در بر دارنده تحولات، دگرگونی‌ها و عرضه نظریه‌ها و دیدگاه‌های نو در ابعاد و مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی بود. در بعد سیاسی، کیفیت انتخاب رهبری سنتی قبیله‌ای، ملاک‌ها و قوانین موثر و نافذ آن زیرسوال

۱ - راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماع ایران، بی‌چاپ، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶ش، جلد ۵، ص ۵۰.

۲ - گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، چاپ ۴، بی‌تا، تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۲۱.

۳ - کریستین سین، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه: مرحوم رشید یاسمی، چاپ نهم، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۴ش، ص ۱۴۹.

۴ - پیرنیا(مشیرالدوله)، حسن، ایران قدیم تاریخ مختصر ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، بی‌چاپ، اساطیر، تهران، ۱۳۷۳ش، ص ۲۴۳.

رفت. جوانان و بردگان، که در ساختار سیاسی جایگاه و منزلتی نداشتند، به عرصه اجتماع آمده و در زمره دستیاران و مشاوران برجسته رهبری جدید، محمد بن عبدالله (ص)، قرار گرفتند. در مقوله دیدگاه‌های اقتصادی، بر تمول و ثروت به عنوان شاخص و عامل برتری خط بطلان کشیده شد، راههای کسب درآمدهای نامشروع که به عنوان زیربنای زیاده‌طلبی زراندوزان مکه محسوب می‌گردید زیر سوال رفت. در عرصه اجتماعی، برتری و اعتلای طبقه‌ای که نشأت گرفته از ملاک‌های نابخردانه بود مورد خدشه واقع شد و عامل تقوا و پرهیزگاری جایگزین آن گردید. در بعد اخلاقی و فرهنگی ارزشهای منفی و موجب افتخار اشرافیت، در ابعاد گوناگون به نقادی درآمد، خوشگذرانی‌ها و لذت‌طلبی‌های منفی جاهلانه تقبیح و تقلید ناآگاهانه از پیشینیان ممنوع و امری ناپسند تلقی شد. اهداف و دیدگاه‌های این انقلاب الهی در هریک از ابعاد و سنت‌های مزبور با عملکرد، امیال، اهداف، موقعیت و ساختار اندیشه اشرافیت و سرمایه‌داری مکه همسو و همساز نبود. از این رو، آنان با آغاز دعوت علنی رسول اکرم در سال سوم بعثت، باتمام توان در راستای خنثی کردن برنامه‌ها و اهداف الهی آن حضرت تلاش کردند و به مدت هجده سال، یعنی تافتح مکه، به ترفندها و شیوه‌های متنوع و متعددی همانند فعالیت‌های تبلیغاتی، تطمیع، طرح خواسته‌های نامعقول، تهدید و شکنجه، تحریم همه جانبه، طرح ترور، تعیین جایزه و قیام مسلحانه توسل جستند که به تعدادی از این شیوه‌ها و ترفندها اشاره می‌کنیم.

الف. تلاش در به سازش کشاندن شیخ تیره بنی هاشم (حضرت ابوطالب (ع)). ب. استفاده از هنر قصه گویی و نقالی. ج. استفاده از شعر، شعار، سرود و ترانه. د. استعانت از علمای یهود. ه. توسل به تهمت‌های ناروا و ترور شخصیت. و. منصرف کردن مردم از تماس با رسول خدا (صلی الله علیه و آله). ز. بی ارزش جلوه دادن اسلام و استهزای رسول اکرم و یارانش.^۱

با توجه به این تاریخچه و مطالبی که در ارتباط با اشرافیت زمان پیامبر (ص) بیان شد می‌توان این موضوع را دریافت که اشرافیت و توجه افراطی به دنیای مادی و غرق شدن در هوی و هوس‌های مادی نه تنها انسان را از تفکر و توجه به مسیر درست و حتی شنیدن سخن حق باز می‌دارد بلکه او را وادار به مبارزه و موضع‌گیری در برابر آن می‌کند چرا که بر اساس آیات قرآن شیطان دنیا را به گونه‌ای برای آنها زینت می‌دهد که همه لذات و زیبایی‌ها و خوشی‌ها را در همین دنیا فرض می‌کنند و اصلاً به خود زحمت فکر کردن به دنیایی زیباتر و حقیقتی برتر از این دنیا و لذتها نمی‌دهند و حتی با آن به مقابله می‌پردازند چرا که به هیچ وجه و به هر قیمتی نمی‌خواهند از این لذات ظاهری (مقام، ثروت و قدرت خارج شوند).

۱ - برگرفته از مقاله سید محمد طیبی با عنوان شیوه های تبلیغاتی اشرافیت مکه در رویارویی با پیامبر بزرگ اسلام (ص).

ضرورت و اهمیت موضوع

مقابله با اشرافیت در جامعه اسلامی به همان میزان اهمیت دارد که عدم مقابله با آن و بی‌توجهی افراد جامعه به وجود و گسترش این رذیله اخلاقی در جامعه موجب آسیب به دین افراد جامعه و ضربه به اسلام و نظام اسلامی و گردنکشی در مقابل اولیای الهی در جامعه خواهد شد همچنین باعث گسترش بی‌عدالتی و فقر و محرومیت می‌شود و مقابله با اشرافیت با توجه به آیات و روایات بویژه سخنان امام علی(ع) و با توجه به اینکه در دوران آن حضرت اسلام ناب بیشترین آسیب را از اشراف و بزرگانی که غرق در مال و منال دنیا شده بودند متحمل شد، موجب امنیت اقتصادی، توجه به فقرا و محرومان و رفع تبعیض و بی‌عدالتی خواهد شد، ضمن اینکه اهداف اولیة و سعادت بخش اسلام در جامعه مورد غفلت واقع نمی‌شود و موجب تثبیت و تقویت نظام اسلامی می‌شود. البته مهمترین عامل مقابله با اشرافیت، توجه به آموزه‌های دینی عاملی درونی می‌باشد و شخصی که دارای بینش صحیح نسبت به دنیا و تجملات و زیباییهای ظاهری و فریبنده آن باشد گرفتار اشرافیت نمی‌شود.

پیشینه تحقیق

به چند مقاله و پایان‌نامه که با کلیت موضوع ارتباط دارد اشاره می‌کنیم. ۱. مقاله سید محمد طیبی با عنوان شیوه‌های تبلیغاتی اشرافیت مکه در رویارویی با پیامبر بزرگ اسلام (ص) و ویژگی این مقاله که از اینترنت بحث اشراف گرفته شده بیشتر بررسی شیوه‌های مقابله اشراف مکه با پیامبر اسلام(ص) است که موقعیت خود را بخاطر ظهور اسلام و تنافی برنامه‌های اسلام با اشرافیت و مقابله اسلام با اشرافیت، در خطر می‌دیدند و به دوران امام علی(ع) اشاره‌ای نشده است. ۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث مریم محمد غالندی با عنوان اشرافی‌گری، صفات و آثار آن از منظر قرآن کریم، ۱۳۹۰، دانشگاه آزاد اسلامی. ویژگی این پایان‌نامه مباحث قرآنی در ارتباط با صفات و رذایل اخلاقی است که به سبب اشرافی‌گری انسان را گرفتار می‌کند و به شیوه‌های مقابله اشاره نشده است. ۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، زهرا احمدی‌نسب با عنوان سیره تربیتی، آموزشی امام علی(ع)، ۱۳۸۸، دانشگاه باقرالعلوم. این پایان‌نامه از بُعد روش تربیتی امام علی(ع) در بخش برخورد با رذایل اخلاقی بیشتر به جنگ جمل بعنوان شیوه عملی امام در مقابله با اشرافیت پرداخته است. امتیاز این پژوهش این است که در زمینه این موضوع خاص با توجه به بررسی‌های انجام شده، پایان‌نامه و کتاب خاصی یافت نشد.

پرسش های اصلی و فرعی

پرسش اصلی :

شیوه های مقابله با اشرافیت از دیدگاه امیرالمومنین (ع) چیست؟

پرسش های فرعی:

۱. شیوه اعتقادی، بینشی مقابله با اشرافیت از دیدگاه امیرالمومنین (ع) چیست؟

۲. شیوه رفتاری ، اخلاقی مقابله با اشرافیت از دیدگاه امیرالمومنین (ع) چیست؟

۳. معنای اشرافیت از دیدگاه قرآن و روایات چیست؟

۴. اقسام و گونه های اشرافیت کدام است؟

۵. چرا باید با اشرافیت مقابله کرد؟

فرضیه ها

۱. امام علی (ع) با شناساندن ماهیت حقیقی دنیا و دنیاپرستی، روش های صحیح بهره مندی از دنیا، توجه به خداوند در همه حال بویژه در هنگام خوشی ها و فراوانی نعمت، ارتباط رذایل اخلاقی با اشرافیت و توجه به قیامت، در بخش شیوه اعتقادی، بینشی به مقابله با اشرافیت پرداخته است.

۲. امام علی (ع) به عنوان ملاک و الگویی در برخورد با زمامداران و کارگزاران اشرافیت طلب، بیان عبرت های فرجام اشرافیگری ، روش برخورد با فرزندان و خویشان خود در بهره بری از بیت المال ، تقسیم بیت المال به صورت عادلانه و جهاد با زیاده خواهان و فرصت طلبان به مقابله عملی با اشرافیت پرداخته است.

روش تحقیق

با توجه به اینکه برای انجام این تحقیق از منابع دست اول مانند قرآن کریم و نهج البلاغه ، برخی کتب حدیثی و روایی، دانشنامه های مربوط با امام علی (ع) و شرح های معروف نهج البلاغه مانند ابن ابی الحدید، شرح علامه محمد تقی جعفری و آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده شده است. شیوه گرد آوری اطلاعات و داده ها، کتابخانه ای و داده پردازی نقلی - و حیانی است.

فصل دوم:

چیستی و گونه شناسی اشرافیت

تعریف مصطلحات

مهم‌ترین واژه‌ای که در این تحقیق مورد تحلیل قرار می‌گیرد واژه اشراف است. این واژه مانند بسیاری از واژه‌های دیگر یک معنای لغوی و یک معنای اصطلاحی دارد که به هر یک به صورت جداگانه پرداخته می‌شود. واژه‌های دیگر، مانند واژه ملأ و مترف در قرآن مطرح شده است که با اشرافیت ارتباط دارد و لازم است به آنها اشاره شود.

معنای لغوی اشراف

جناب خلیل فراهیدی می‌نویسد:

«الشرفُ و المجدُ لا یكونانِ الا بالآباء، والحسبُ والکرمُ یكونانِ و إن لم یکنْ له آباء لهم شرف.»^۱

«مجد و شرف در لغت تنها در مواردی استعمال می‌شود که اجداد شخصی متصف به این صفت باشند بخلاف حسب و کرم که ممکن است شخصی را به این صفت بخوانند بدون آنکه اجدادش به این صفت متصف باشند.»

همچنین عزالدین طریحی می‌نویسد:

«الشرفُ : العلوُّ و المكانُ العالی. و منه سُمی الشریفُ شریفاً تشبیهاً للعلوِّ المعنوی بالعلوِّ المکانی.»^۲

«شرف به مکان بلند گفته می‌شود و انسان شریف را به جهت تشبیه علو معنوی به علو مکانی شریف می‌گویند.»

جناب دهخدا می‌نویسد: «اشراف: جمع شریف، بزرگ قدر، اعیان، بزرگان و بلند سران، بزرگواران،

اشخاص بزرگ قدر و صاحبان حسب و نسب نیک»^۳

به گفته دکتر معین: «اشراف: جمع شریف، بزرگواران، بلند پایگان، گرانیگان، ارجمندان، اعیان است.»^۴

اشرافیت مصدر صناعی از اشراف + ی + ه که با توجه به معنای لغوی اشراف به معنای بالا و برتر بودن، شرف و علو مکانی و مقامی داشتن است.

معنای اصطلاحی اشرافیت

با توجه به معنای لغوی اشراف و معنای لغوی و اصطلاحی ملأ و مترف که ارتباط معنایی با کلمه اشراف دارد. اشراف در اصطلاح قرآن و روایات به معنای افرادی دارای قدرت و نفوذ در جامعه است. اشرافیت یعنی از لحاظ ثروت، قدرت، مقام و اصل و نسب خانوادگی و قبیله‌ای نسبت به دیگران برتری داشتن، غوطه‌ور بودن در آرزوها، هوی و هوس و اموال و امیال و لذایذ دنیوی و به طور خلاصه

۱ - فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بی‌جا، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۵۳.

۲ - طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: احمد الحسینی، بی‌جا، المکتبه المرتضویه، تهران، بی‌تا، ج ۵ ص ۷۴.

۳ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین، بی‌جا، چاپخانه دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۲۶۲۸.

۴ - معین، محمد، فرهنگ فارسی، بی‌جا، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸۲.

علاقه مفراط و شدید به همه اموال و امیال و لذا ید دنیوی به گونه‌ای که نمود آن روز به روز در زندگی اشراف ظهور پیدا کند و آنان را طوری به خود سرگرم کند که همه اهداف خود را در همین امیال و هوس های دنیوی دنبال می‌کنند و از هر تلاشی مشروع یا غیرمشروع، صحیح یا ناصحیح، حتی به قیمت ریخته شدن خونها برای رسیدن به آن دریغ نمی‌کنند، و از هدف اصلی خلقت انسانها غافل می‌شوند.

معنای لغوی ملأ

«ملأ: جماعت را گویند.»^۱

«ملأ: جمعیت زیادی است.»^۲

«در لغت: بعضی‌ها گفته‌اند اراده شده تعداد ۲۵۰ و بعضی‌ها گفته‌اند تعداد ۳۵۰ و در حالیکه جماعت پری هستند و گفته شده به معنای چیزی است که وقتی بیننده به آن نگاه می‌کند هیبت آن چشم را پر می‌کند.»^۳

«الملء: مقدار مایملاً: مقدار چیزی که پر می‌شود، يقال: ملء القدرح یعنی پر شدن ظرف.»^۴

راغب می‌نویسد: «(ملأ) گروهی را می‌گویند که بر فکر خاصی اتفاق نظر دارند و منظر و دیدارشان چشم‌ها را پر می‌کند و شخصیت ظاهرشان مردم را به خود متوجه می‌سازد»
طبق گفته طریحی: «(ملأ) جماعت و جماعت اشراف، از جمله معانی آن اشراف ناس و مطلق جماعت است به معنی خلق و مشورت نیز آمده است.»^۶

معنای اصطلاحی ملأ

« ملأ در اصطلاح به اشراف و ثروتمندان خوش ظاهر و بد باطن (چشم پر کن) گفته می‌شود.»^۷
در نتیجه ملأ به جماعتی گفته می‌شود که به خاطر برخورداری از برخی امتیازات و برتری‌های ظاهری مانند ثروت، مقام و... توجه مردم را به خود جلب می‌کنند و در اصطلاح افرادی چشم‌پرکن هستند.

معنای لغوی مترف

به گفته راغب: «در لغت (مترف) از (ترف) به کسی گفته می‌شود که وسعت در نعمت داشته باشد، این

۱ - طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی التفسیر القرآن، بی‌جا، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ق، ج ۹، ص ۳۹۰.

۲ - همان، ج ۱۱، ص ۱۲۰.

۳ - سمرقندی، نصرین محمدبن احمد، بحر العلوم (قرن ۴)، بی‌جا، بی‌تا، بی‌جا، ج ۲، ص ۵۵۴.

۴ - اندلس ابوحیان، محمد بن یوسف، البحرالمحیط فی التفسیر، بی‌جا، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۴۵.

۵ - راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا، دارالشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ه ق، ص ۴۷۳.

۶ - طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، پیشین، ج ۱، ص ۳۹۶.

۷ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دوازدهم، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص ۲۲۰.

واژه از کلمه «ترفه» به معنای گشادگی و وسعت در نعمت است.^۱
طبق گفته علامه طباطبایی: «کلمه مترف اسم مفعول از ماده «اتراف» است که به معنی زیاده روی در تلذذ از نعمت هاست.»^۲

معنای اصطلاحی مترف

از نگاه مفسران اصطلاح «مترف و مترفین» در توانگرانی استعمال می‌شود که کثرت نعمت، ایشان را سرکش و به جهت مشغولی به شهوات و لذات دنیا دین خود را کنار زده اند.

طبرسی در معنای مترفین به نقل از ابن عباس می‌گوید:

«مترفین کسانی هستند که در دنیا از نعمت و ثروت بهره‌مند هستند.»^۳

ابن منظور می‌نویسد: «مترف به کسی می‌گویند که فزونی نعمت و زندگی مرفه او را مست و مغرور و غافل کرده و به طغیان‌گری واداشته است.»^۴

به گفته رشیدالدین میبدی: «وقتی می‌گویند «فلانٌ لایزالُ فی ترفه من العیش» یعنی همیشه در آسایش و ثروت است و گفته شده مترف یعنی کسی که خوش‌گذرانیش بیشتر و همتش کم است و در آن خوشگذرانی افراط می‌کند.»^۵

طبق گفته سید قطب: «مترفین کسانی هستند که ثروت و خدمتکاران بسیاری در اختیار دارند و غرق در خوشیها و راحتی دنیا هستند و از سیادت و آقائی برخوردارند و به ارزش‌ها توهین نموده و متعرض حرمتها می‌گردند.»^۶

طریحی می‌نویسد: «مترف کسی است که در زندگی غوطه‌ور است او به خود وانهاده شده و هرچه می‌خواهد می‌کند و در استفاده از لذت‌های دنیا و شهوات آن دستش باز است»^۷
جناب مغنیه می‌نویسد: «المترفون هم الذین یتنعمون فی الملذات کمایشاءون»^۸

۱ - راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، پیشین، ص ۱۶۵.

۲ - طباطبایی، محمدحسین، بی‌چا، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۸۳.

۳ - طبرسی، الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه حسین نوری، شیخ حسین و همکاران، بی‌چا، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ش، ج ۶ ص ۶۲۵.

۴ - ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، بی‌چا، دار صادر، بیروت، ۱۹۹۷م، ج ۹، ص ۱۷.

۵ - رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، کشف الاسرار و عدّه الأبرار، بی‌چا، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ش، ج ۸، ص ۱۴۳.

۶ - سید، سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، بی‌چا، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲۱۷.

۷ - طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، پیشین، ج ۵، ص ۳۰.

۸ - مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، بی‌چا، دارالکتاب اسلامی، تهران، ۱۴۲۴ق

«مترفون همان کسانی هستند که در لذت‌ها متنعمند (بهره می‌برند) همان طور که می‌خواهند.»

بنابراین اصطلاح «مترف» به گروهی از جامعه گفته می‌شود که با تکیه بر زر و زور به خوشگذرانی و فخر فروشی به دیگران اقدام و دیگران را تحقیر می‌کنند و در برابر ارزش‌های الهی به مخالفت می‌پردازند.

معنای لغوی و اصطلاحی شیوه

شیوه: «طور و عمل و طرز و روش و قاعده (برهان). طور، رسم، طریقه، سبک، اسلوب، روش، نهج و تیره، نسق، سان، گون، گونه، هنجار، طریق، راه»^۱

شیوه: «روش، طریقه - شیوه نامه: دستورالعملی مکتوب که برای راهنمایی در انجام کاری تهیه می‌شود.»^۲

شیوه در اصطلاح: با توجه به معنای شیوه نامه که ذکر شد، شیوه در هر کاری منظور راه و روشی است که انسان را به سرانجام و غایت آن کار راهنمایی و هدایت می‌کند. مانند شیوه‌های رسیدن به خداوند، شیوه‌های برخورد پیامبر (ص) با طیف‌های گوناگون جامعه و ...

انواع شیوه

۱. شیوه‌های اعتقادی، بینشی: به روش‌هایی گفته می‌شود که برای پیدایش اندیشه و بینش و یا تغییر و اصلاح اندیشه در موضوعی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. بعنوان مثال در موضوع مورد بحث ما امام با تبیین ماهیت دنیا و دنیا پرستی بینشی صحیح نسبت به اشرافیت که نوعی دنیا طلبی بی‌حد و حصر است ایجاد می‌کند و یا تفکر افرادی را که نسبت به این موضوع غفلت دارند و یا آن را امر مذمومی نمی‌پندارند تغییر داده و یا آن را اصلاح می‌نمایند.

۲. شیوه‌های عملی: یعنی راه‌های اجرایی برای رسیدن به هدف.

بنابراین مقصود از شیوه‌های مقابله با اشرافیت راه‌ها و روش‌هایی است که در بخش اندیشه و تفکر موجب تغییر و اصلاح و پیدایش بینش صحیح نسبت به اشرافیت می‌شود و در بخش انگیزه و عمل، رفتاری را

۱ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ سروش، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷ شمسی، ج ۳۱، ص ۲۲۹.

۲ - نوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ دوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۴۶۶۳ و ۴۶۶۴.

۱۴ شیوه های مقابله با اشرافیت از دیدگاه امام علی علیه السلام

تیین می کند که موجب تغییر عملکرد و پیدایش رفتار صحیح در موضوع اشرافیت می شود و انسان را در عمل از گرفتار شدن در آن باز می دارد.

در حقیقت قسمت اول در بخش اندیشه تلاش می کند و قسمت دوم در بخش انگیزه و عمل، و تا بینش صحیحی نسبت به یک موضوع پیدا نشود عمل کردن برای رسیدن به آن دشوار و گاه ناممکن است.